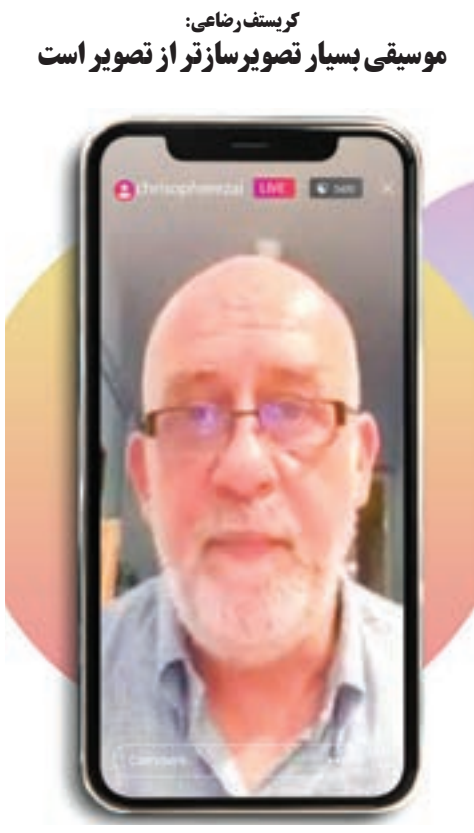




غزاله حسین‌پور
gh.hosseinpour@shahraranews.ir

آثار موسیقایی‌اش روی فیلم‌های خاصی چون «آخرین داستان»، «سال دوم دانشکده من»، «ماهی و گربه»، «ناگهان درخت» و... بارها در سالن‌های سینما طنین‌انداز شده و جوایز گوناگونی برایش به ارمغان آورده‌است. کرسیستف رضاعی که در فرانسه متولد شده، تحصیلات خود در زمینه مکانیک سیالات را در این کشور ادامه داد، موسیقی را از قبل انقلاب در ایران با نواختن پیانو آغاز و در فرانسه آن را پیگیری کرد. بنابراین او خود را مهندسی می‌داند که از کودکی با موسیقی همراه بوده است. این هنرمند آهنگ‌ساز، در گفت‌وگوی آنلاینی که شامگاه چهارشنبه به میزبانی کانون فیلم و عکس دانشگاه فردوسی مشهد به منظور بررسی کارنامه هنری‌اش برگزار شد، به بیان نکاتی پرداخت که خلاصه‌ای از آن را در ادامه می‌خوانید. رضاعی درباره چگونگی انتخاب فیلم‌ها برای آهنگ‌سازی، گفت: هر کارگردان روش خاص خود را دارد. در برخی موارد، بعد از مونتاژ یا من تماس گرفته می‌شود. گاه نیز کارگردان در زمان یا قبل از فیلم‌برداری، سناریو را در اختیارم قرار می‌دهد. من ترجیح می‌دهم قبل از فیلم‌برداری سناریو را بخوانم. زیرا در این صورت با تجربه‌ای که دارم می‌توانم چیز کم‌تری که به کار برای آن پروژه علاقه دارم یا نه، آهنگ‌ساز «ژدها»ورد می‌شود.» ملاقات با کارگردان را لازم دانست و افزود: شناخت دنیای کارگردان، سلیقه موسیقایی و ایده‌اش برای ساخت فیلم، به منظور درک روحیه خالق اثر بسیار مهم است. ساخت موسیقی فیلم، خلقی سفارشی است. هنرمند باید متعلق به پروژه‌ای باشد که در اختیار خودش نیست. پس مهم است که آهنگ‌ساز، عمیق‌تر وارد تفکر کارگردان شود.

او تجربه ساخت موسیقی فیلم را برای خود چالشی دانست که باعث می‌شود به سبک و رنگ‌آمیزی مورد علاقه‌اش در موسیقی برسد، مراحل سه‌گانه نگارش این نوع موسیقی را ساخت پیش‌زمینه، خلق و فرم دادن به ملودی بیان کرد. رضاعی درباره سبک کارهایش گفت: من دوست دارم هر کدام از کارهایم تجربه‌ای جداگانه و منحصر به‌فرد بود و نمی‌توان گفت کدام بهتر است. اما آخرین داستان کار مورد علاقه‌ام بود. از ابتدا در نظر داشتیم که این موسیقی برای انیمیشن و مخلوطی از موسیقی نقاط مختلف باشد که البته همین‌طور شد. او درباره استفاده از صحنه‌های فیلم در آلبوم موسیقی گفت: به نظرم جالب بود که بخش‌هایی از تصاویر فیلم «در دنیای تو ساعت چند است» را به دلیل دیالوگ‌های ظریف، در آلبوم استفاده کنیم، من بر این باورم که موسیقی، بسیار تصویرسازتر از تصویر و تصویری که موسیقی در ذهن ایجاد می‌کند، همواره وسیع‌تر است.

به گفته این هنرمند، یک آهنگ‌ساز فیلم، باید ابزار و شناخت زیادی از موسیقی‌های مختلف در ذهن داشته و آن‌ها را شنیده باشد. او ضمن تأکید بر این نکته که در نوع رنگ‌آمیزی و تنظیم کارهایش تحت تأثیر موسیقی فرانسه قرار دارد، بیان کرد: خود را مدیون پدر و مادرم می‌دانم. در خانه ما پدرم اهل هنر و موسیقی بود و به همین علت، همیشه موسیقی‌های مختلف در فضای خانه شنیده می‌شد. این در من تأثیر گذار بود و باعث شد سراغ آثار گوناگون بروم. ریشه رشد یک هنرمند در همین خاطره‌هاست، هرچه ریشه‌ها محکم‌تر باشد، درخت محکم‌تر و رشیدتر خواهد بود. آثاری که من شنیده و می‌شنوم نیز در کارهایی که انجام می‌دهم تأثیر گذار است.

این نوازنده خاطر نشان کرد در اثرپذیری، باید مراقب کپی‌کاری بود. گاه تأثیرگذاری آن‌قدر در آهنگ‌ساز عمیق است که گمان می‌کند اثر برای خودش است، در حالی که این گونه نیست.

او همچنین عجله را باعث انجام کارهای تکراری دانست. بعد از موفقیت آلبوم «در دنیای تو ساعت چند است»، کارگردانان و تهیه‌کنندگانی با ایده‌های نزدیک به آثار این آلبوم برای ساخت موسیقی فیلم‌های خود، به کریستوف رضاعی مراجعه می‌کردند که او در این باره بیان کرد: این خواسته‌های مشابه باعث شده باز هم گیتار کار کنم. اما نمی‌خواهم این گونه شود. چون کارهای یکسان یا شبیه به هم، به مرور تبدیل به سبک آهنگ‌ساز می‌شود. یک آهنگ‌ساز سبک ندارد، بلکه باید همه سبک‌ها را بشناسد تا بتواند در تفکر آهنگ‌سازی رها شود. رضاعی که باور دارد می‌توان با نظر و پیشنهاد کارگردان، از آثار موسیقی کلاسیک نیز استفاده کرد، گفت: خیلی دوست دارم روزی کارگردانی فیلمی بسازد و چند آهنگ‌ساز بدون ذهنیتی با یکدیگر درباره آن آهنگ‌سازی کنند. نتیجه این کار نشان می‌دهد که ظرفیت موسیقی چقدر وسیع است. فیلم بدون موسیقی عملاً انعکاس واقع‌روزمه و دوبعدی است. موسیقی کمک می‌کند تا تماشاگر وارد متن شود و آن را از زاویه‌ای دیگر ببیند. بنابراین موسیقی، جزو شاخه‌های اصلی فیلم به شمار می‌رود.

کرسیستف رضاعی:
موسیقی بسیار تصویرسازتر از تصویر است

شهریار

روزنامه شهرامید وزندگی

شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ ۱۴ خرداد ۱۳۹۶ شماره ۳۱۲۰

SHAHRARANEWS.IR

۱۴

فرهنگ

فرهنگ

مث همیشه خبر کوتاه و خلاصه بود: «خانه پدری مشکاتیان تخریب شد. « غرش نخراشیده بولدو زرها گوش دیوارهایی را که سال‌ها ضرب‌اهنگ سنتوز پرویز مشکاتیان در آن دمیده شده بود را کر و تیزی کلنگ‌ها چشم و چراغ خانه‌های هویتی نیشابور را کور کرد. خانه‌ای که قرار بوده خانه فرهنگ یا موزه یادگارهای استاد سنتورنواز خاستگاه گوهر فیروزه باشد اما در اندکی و آنی به تلی از خاک و

گروه فرهنگ

● خیلی صبر کردیم

حسن مشکاتیان، پدر استاد پرویز، شش نفر وارث دارد. سه خواهر، یک برادر و دو فرزند استاد پرویز همه وارثان خانه مشکاتیان هستند. آن‌ها حدودا ده سال است که تصمیم فروش خانه پدری‌شان را به دستگاه‌های فرهنگی دارند. این تصمیم نشان می‌دهد که آن‌ها به ارزش و اهمیت معنوی میراثشان واقف بوده‌اند. بعد از صبر و تلاشی که داشتند، اما باز هم هیچ کدام از دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی در این ده سال خرید خانه مشکاتیان را در دستور کار خود قرار ندادند. آن‌ها مایل بودند با کمک دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی، خانه پدری مشکاتیان را به عنوان خانه فرهنگ بازآفرینی کنند. آوا، دختر پرویز مشکاتیان در پیام‌هایی که برای حامد بهداد، بازیگر مشهور سینما و تلویزیون، فرستاده بود و از او بابت واکنش به تخریب خانه پدری‌اش خبردانی کرده بود نوشت که این ماجرا از ده سال پیش شروع شده و خانواده مشکاتیان شاهد بودند که مسئولان شهری اقدامی برای خرید و بازسازی خانه نکردند و آن‌ها نیز به دلیل نیاز به پول آن ملک، مجبور شدند آن را بفروشند. آوا در پیام‌هایی که به بهداد داده، گفته است: «این خانه غیر از پدرم به چهار فرزند دیگر هم می‌رسید. ۹ سال پیش زلزله خرابیش کرد ولی باز هم آن‌ها صبر کردند و با ما همراهی کردند. شهرداری هم فقط می‌گفت باید دو دستی تقدیمش کنید. من و برادرم هم نمی‌توانستیم مجبورشان کنیم که به خاطر پدر ما خانه را بفروشند.»

آیین مشکاتیان پسر پرویز مشکاتیان نیز در صفحه اینستاگرامش شعری برای پدر سروده که طعنه به وضعیت اسفبار خانه پدری و مزارش در نیشابور دارد اما با این حال در وصف مشکاتیان بزرگ نوشته تو در سرای دگر با هنرت جاوید خواهی ماند. در پی این اتفاق تصاویر بنای تخریب شده یاد شده در صفحات مجازی دست‌به‌دست و هزاران بار

چرا تخریب خانه‌استاد مشکاتیان مهم است؟



رضا سلیمان نوری
رئیس هیئت‌مدیره انجمن توسعه گردشگری چهارباغ خراسان

تألیفات

در آغازین روز تعطیلاتی که پشت سر گذاشتیم خبری بد فضای فرهنگی کشور را از خود متأثر کرد. این خبر که آه و افسوس و ای کاش بسیار به دنبال داشت، خبر تخریب خانه پدری مرحوم استاد پرویز مشکاتیان بزرگ آهنگ‌ساز و نوازنده سنتور کشور بود. خانهای که با توجه به تخصص پدر این استاد یعنی مرحوم حسن مشکاتیان در سنتورنوازی خشت خشت آن با زیر و بم موسیقی اصیل ایرانی به ویژه ساز سنتور آشنایی داشت و رفت و آمد بزرگان

کوک تخریب در خانه پدری

خانه پدری پرویز مشکاتیان که قرار بود تبدیل به موزه موسیقی شود تخریب شد و همین موضوع موجی از نارضایتی اهالی فرهنگ و هنر را به راه انداخت

حرکت می‌کنیم و ساعاتی بعد در کنار آوارهای خانه پرویز ایستاده ایم. جز یک دیوان کمر خم کرده، هیچ ستون ایستایی باقی نمانده است. همه چیز زیر رنگ خاکستری غبار به مرگ و فراموشی پیوسته انکار که هیچ‌گاه زنده نبوده است. نه صدایی از آواز به گوش می‌رسد و نه بی‌قراری ساز، جانی را می‌نوازد. مشکاتیان مرده، سنتورش شکسته و این خانه که وامدار خاطرات او بوده به سنگ و کلوخ تبدیل شده است.



اختیار داشته ملکش را با اخذ مجوزهای لازم، هر طور که می‌خواهد بسازد؛ با این حال اعتمادی اصرار دارد به استناد قانون، مالک موظف خواهد شد منزل مشکاتیان را دوباره عین به عین بسازد. برای این رأی محکمه نرفته هم علت محکمی ارائه نمی‌کند جز

فرهنگی اجتماعی داد از بر تری فرهنگ بر ثروت بزمیم باز هم افرادی هستند که برایشان چیزی جز ثروت حتی به صورت آتی و لحظه‌ای آن مهم نباشد. افرادی که پر شدن جیب خود در لحظه را حتی به پر شدن جیب‌های خود در آینده ترجیح می‌دهند و به اصطلاح، همیشه سر که نقد را به از حلوی نسیه می‌پندارند. براین اساس لازم است تا برای حفظ موارث فرهنگی خود علاوه بر گسترند نگاه فرهنگی هویتی بر جامعه کمی هم رعایت افراد مادی‌گرا را بکنیم و این آثار ارزشمند چون طلا را در دسترس

نخواهد رسید و ما این اجازه را نخواهیم داد که آنجا برج بسازد. شهرداری هم مکلف خواهد شد به مالک مجوزهای مربوط برای ساخت و ساز را ندهند.» تملک خانه مشکاتیان از طرف شهرداری نیشابور انجام نشده بود و این‌طور به نظر می‌رسد که از نظر قانونی مالک

موسیقی ایرانی از جمله استاد محمدرضا شجریان و مرحوم استاد لطفی و دیگران در آن هم بر اهمیتش می‌افزود. درست به همین دلیل و با توجه به در حال ثبت ملی بودن این اثر تخریب ناهنگام آن پیامی چند را به دنبال داشت که برخی از آنان را در ذیل بیان می‌کنم.

الف_ تخریب خانهای با چنین پیشینه با توجه به اینکه شهر نیشابور از دیرگاه به شهری ادب‌پرور و هنردوست معروف بوده این پیام را در پی دارد که هر چند ما سعی کنیم تا در فضاهای مختلف تمهیدی که با توجه به کم بودن ظرفیت اکران عمومی در شهرستان‌ها، در عمل به دردرس‌هایش نمی‌ارزد. اما یکی از مهم‌ترین نکات مطرح شده میرزاخانی، مربوط به اولویت بازگشایی اماکن عمومی بود که گله این مدیر سینمایی را به همراه داشت. استدلال او و عمده مدیران پردیس‌های سینمایی در کشورمان به طور ساده این است که با توجه به بهره‌گیری از سامانه فروش اینترنتی بلیت و امکان جانمایی صندلی‌ها در سینما، مشخص نیست چرا ستاد مقابله با کرونا برای بازگشایی سالن‌ها، حتی مطابق پروتکل و با همان ظرفیت چهل درصدی، این قدر تعلل می‌کند و به شرایط اقتصادی سینماداران و پرسنل آن‌ها بی‌اعتناست. میرزاخانی سینما را تنها جایی دانست که به راحتی قابلیت رعایت فاصله اجتماعی با استفاده از شماره صندلی را دارد. بر همین اساس، او از یک بام و دو هوا رفتار کردن مراجع تصمیم‌گیری با مشاغل مختلف انتقاد کرد و این رویکرد را آسیب‌زننده نامید. در واکنش به این انتقاد، کیانوش جهانپور (سخن‌گوی ستاد مقابله با کرونا) روی خط واهالی سینما را به صبر بیشتر برای اتخاذ تصمیم مناسب کرونا، بار دیگر از مردم خواست که وضعیت کنونی را موج دوم کرونا تلقی نکنند. جهانپور به طور ضمنی به انتقاد از بخش‌هایی پرداخت که برای بازگشایی مسابقه گذاشته‌اند و اهالی سینما را به صبر بیشتر برای اتخاذ تصمیم مناسب دعوت کرد. او با تشریح تلاش ستاد مقابله با کرونا برای از سر گرفتن تولید آثار سینمایی، وعده داد هفته آینده در این مورد تصمیم‌گیری خواهد شد؛ اما در مورد اینکه چرا سینما، با وجود نقش مهمش در فرهنگ، جزو آخرین اولویت‌های ستاد مقابله با کرونا محسوب نشده، توضیح خاصی نداد.

مسعود نجفی، مدیر روابط عمومی سازمان سینمایی، دیگر مهمان تلفنی «شهر فرنگ» بود که از موضع سازمان سینمایی صحبت می‌کرد. وی با بیان تلاش این سازمان برای ایجاد شکل‌های دیگر اکران فیلم‌ها، از جلسات مداوم کار گروه اکران برای تسهیل شرایط سخن گفت و اظهار امیدواری کرد که مشکلات سینماداران با تمهیدات سازمان سینمایی هرچه زودتر مرتفع گردد. با این حال، سخنان نجفی به شکلی واضح، اختلاف سازمان سینمایی با سینماداران را نمایان کرد. صحبت‌های او در مورد تهیه کلیپ آموزشی، استقبال از سینمااشین و در نظر گرفتن یک کمدی مفرح و یک فیلم اجتماعی جدی در ترکیب آثار برای ایام پس از بازگشایی سینماها، نشان می‌دهد که با رویکرد سینمادارانی که از یک بحران واقعی حرف می‌زنند اغراق آمیز است و یا سازمان سینمایی به شکلی سهل‌گیرانه با قضیه برخورد می‌کند. اما بحث برانگیزترین بخش‌های برنامه با سؤالات شفاف حمیدرضا مدقق، مجری گرفتن وام قرض‌الحسنه ده میلیون تومانی (به ازای هر پرده) برای سینماداران را ناکافی دانست که نجفی سعی کرد، با توسل به جنبه حمایتی این تسهیلات و صحبت‌های مبهم درباره برخی راهکارهای حمایتی دیگر، بر حمایت سازمان سینمایی از سینماداران تأکید کند.

مدقق اما به نام سرگشاده گروهی از سینماداران به رئیس‌جمهور برای بازگشایی سینماها اشاره کرد و صراحتاً در مورد دست‌های پنهانی که در متن این‌نامه مانع از بازگشایی سینماها معرفی شده‌اند، از نجفی توضیح خواست. نجفی چنین چیزی را از پایه و اساس تکذیب کرد؛ اما مدقق